

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهمن آزاد
فرستنده: عثمان حیدری
۰۵ اپریل ۲۰۱۸

بورژوازی فرانسه و آموزش عالی



مدتهاست که بورژوازی فرانسه به فکر خصوصی کردن آموزش و پرورش این کشور است تا هم از این راه منبع در آمدی برای سرمایه‌های خود تهیه کند و هم دستیابی طبقات فرودست را به آموزش عالی محدود نماید و برای فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های خود، کارگر ارزان فراهم آورد. تا کنون کوشش‌های فراوان دولت‌های پیشین که از پنجاه سال پیش به بهانه رفورم ولی در اصل برای پیش‌بردن این هدف کوشیدند، به مقاومت دانشجویان و کارگران برخورد کرده و پیروزی‌های قابل توجهی به دست نیاوردند. جای دارد در اینجا از شورش‌های ماه مه سال ۱۹۶۸ یاد کنیم که در مقابله با رفورم‌های پیشنهاد شده توسط جنرال دوگل و ژرژ پمپیدو نه تنها دانشجویان بلکه بیش از دوازده میلیون کارگر را به اعتصاب واداشت و برای مدتها بورژوازی فرانسه را مجبور به عقب نشینی نمود. در سال ۱۹۹۵ نیز حکومت شیراک کوشید رفورم‌های مشابهی انجام دهد که باز هم با مقاومت دانشجویان روبه رو شد و عقب نشست. یاد آوری کنیم که آموزش و پرورش در فرانسه تا سطح دیپلم متوسطه مجانی بوده و مخارج تحصیلات عالی خلاف اکثر کشورهای دیگر اروپای غربی و امریکا بسیار ناچیز است. با این همه فرزندان طبقه کارگر و دیگر طبقات

زحمتکش جامعه به ندرت امکان ادامه تحصیلات در دانشگاه‌ها را پیدا می‌کنند. این جوانان یا باید هم زمان با تحصیل برای امرار معاش کار کنند یا از بورس تحصیلی استفاده نمایند که آن هم به دشواری قابل دسترس است. این بار نوبت به حکومت امانوئل ماکرون رسیده است که شانس خود را بیازماید! ماکرون که با حمایت محافل سرمایه داری، وابسته به بانک‌ها و سرمایه داران بزرگ و رسانه های وابسته در انتخابات به پیروزی رسید، از همان آغاز دوران ریاست جمهوری اش، به سرعت، تخریب زیر بناهای اجتماعی فرانسه را آغاز کرد. در قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه که در زمان دوگل و در شرایط بحران سیاسی فرانسه و جنگ الجزایر در سال ۱۹۵۸ تصویب شد، اختیارات و قدرت رئیس جمهور و به طور کلی قوه مجریه نسبت به قوه مقننه بالاتر است. در این قانون بندی به نام بند ۳-۴۹ یا تبصره ای بر ماده ۴۹ آن وجود دارد که به رئیس جمهور در مقابله با وضعیت اضطراری اختیار تام می‌دهد و او را مجاز می‌کند که مجلس را دور زده قوانین جدید را با یک فرمان تصویب کند (مگر این که حداقل ده درصد نمایندگان در مقابل تقاضای رأی عدم اعتماد به دولت داده باشند). اکنون ماکرون که در انتخابات مجلس هم حزبی به اکثریت دست یافت، به کمک همین اکثریت و بند ۳-۴۹، می‌کوشد برنامه‌های نئولیبرالی خود را هرچه سریع‌تر و بدون دخالت مجلس یا بحث وسیع و با فرمان به پیش ببرد.

او پس از تحمیل قانون کارنئولیبرالی خود به کارگران، اکنون تلاش برای حذف دستاوردهای کارگران راه آهن فرانسه و مقدمات خصوصی سازی آن و ایجاد محدودیت در دسترسی همگانی به آموزش عالی را آغاز کرده است. به همین خاطر قانون جدیدی برای تغییر در برنامه‌ها و سیستم آموزشی کشور تهیه شده، با آرامی و بدون سر و صدا، طی چند ماه از تصویب مجلس شورای ملی و سنا گذشت. وسایل ارتباطات جمعی که در یک اکثریت ۹۰ درصدی در کنترل سرمایه داران بزرگ قرار دارند از محتوای قانون جدید آموزش و پرورش، اخبار زیادی پخش نکردند و ظاهراً کارها به مراد حکومت ماکرون پیش می‌رفت و تا اجرائی شدن قانون جدید دیگر چند ماهی بیشتر نمانده بود. به علاوه امتحانات آخر سال نزدیک است و عدم واکنش وسیع از طرف دانشجویان و مردم، دولت را امیدوار کرده بود که بالاخره این بار دیگر کارها با موفقیت به پایان رسیده و از همین سال ۲۰۱۸ دانشگاه‌های فرانسه نظیر مؤسسات آموزشی امریکا پولی خواهد شد. ولی چنین نشد و ناگهان اخبار پخش شد و یک جنبش دانشجویی نسبتاً قوی قد بر افراشت!

محتوای قانون جدید:

تا کنون اصل بر این بود که دانشجویان رشته تحصیلی خود را خودشان و با علم بر محتوای رشته آموزشی مورد نظرشان آزادانه انتخاب می‌کنند. دانشجو می‌توانست با ارائه دیپلم متوسطه که به او امکانات اولیه نام نویسی در دانشگاه را می‌داد وارد دانشگاه شود و پس از یک یا دو سال اگر رشته مورد نظر، مطابق میلش بود و او از عهده امتحانات با موفقیت برمی‌آمد، تحصیلات خود را ادامه بدهد. روشن است که در این شیوه، تعداد دانشجویانی که از همان سال اول تغییر رشته می‌دهند بسیار زیاد است. به همین دلیل و به خاطر محدود کردن مخرجی که دانشگاه می‌باید متحمل بشود، این روش ابتداء به محدود کردن تعداد جای برای نام نویسی در دانشگاه وابسته شد. سال گذشته حدود ۸۰ هزار داوطلب تحصیلات دانشگاهی به خاطر این که رشته تحصیلی انتخابی شان از جانب بررسی کنندگان تأیید نشده بود و یا این که پرونده شان در دهلزهای بوروکراتیک از نظر به دور مانده بود از ورود به دانشگاه محروم می‌شدند. دولت ماکرون، ظاهراً برای بهبود این وضع و به بهانه جلوگیری از "مردود شدن" دانشجویان در تحصیلات و یا محروم شدن از تحصیلات به خاطر دیرکردن در نام نویسی، قانون جدیدی پیشنهاد می‌کند که مطابق با آن رشته

تحصیلی دانشجویان از سه سال قبل از پایان تحصیلات متوسطه انتخاب شده و دانشجوی آینده از همان اول مطابق با رشته تحصیلی مورد نظر در دانشگاه تربیت می‌شود! بقیه دانش آموزان یا می‌توانند در دانشگاه‌های خصوصی نام نویسی کنند یا آن که مطابق با احتیاجات صنعت و تجارت به سوی رشته‌هایی که به کارگر نیاز دارند راهنمایی شوند. آורندگان این قانون جدید مدعی اند که بدین ترتیب اولاً از تعداد مردودین در دانشگاه ها بسیار کاسته خواهد شد، ثانیاً در پایان تحصیلات، جوانان بر راحتی کار پیدا خواهند کرد و ثالثاً از بودجه آموزش و پرورش کاسته می‌شود.

روشن است و دانشجویان هم می‌گویند که این سیستم در واقع نوعی دستچین کردن دانشجویان آینده در مقابل در ورودی دانشگاه است. البته کسانی دستچین خواهند شد که امکانات کافی در اختیار داشته باشند؛ یعنی فرزندان طبقات دارا یا روشنفکران! فرزندان طبقه کارگر که نه از لحاظ مالی می‌توانند از کمک تحصیلی مراکز یا معلم‌های امداد رسانی آموزشی بر خوردار باشند و نه می‌توانند از یاری‌های مؤثر والدین خود بهره‌مند شوند، شانس بسیار کمی برای ورود به دانشگاه خواهند داشت. هم اکنون و با سیستم کنونی، تعداد فرزندان طبقه کارگر در مؤسسات آموزش عالی کمتر از چهار درصد کل دانشجویان است تا چه رسد به پس از اجرائی شدن سیستم جدید. در عوض بانک‌ها از هم اکنون خود را برای پذیرش پرونده‌های فرزندان طبقات متوسط و نام نویسی آن‌ها در مؤسسات خصوصی گران قیمت آموزش عالی آماده می‌کنند. این گونه مؤسسات خصوصی از مدت‌ها پیش در فرانسه وجود داشتند و دارند و در آینده نزدیک باید در انتظار رشد بیشتر تعداد آنها باشیم. بانک‌ها وام می‌دهند و بهره می‌گیرند، سرمایه داران مؤسسه آموزشی دایر می‌کنند و شهریه می‌گیرند و جوانان پای در مسیری می‌گذارند که آینده‌ای نا مشخص دارد. چنین است رسم نظام سرمایه داری نئولیبرال: برای کارگران: نه آموزش با ارزشی وجود دارد و نه آینده ای روشن!

واکنش دانشجویان:

دانشجویان رفته رفته و از راه‌های پیچیده، از طریق سندیکاها و دانشجویی و روابط با سازمان‌های چپ و طرفدار طبقه کارگر از برنامه‌های دولت و خوابی که بورژوازی فرانسه برای آنها دیده است، باخبر شدند. بلافاصله مجامع عمومی مشورتی دانشجویان (با شرکت صدها دانشجو) در اکثر دانشگاه‌ها و شهرهای فرانسه تشکیل شد. پس از مشورتی کوتاه، روز سوم اپریل برای اعتراض و تظاهرات در سراسر فرانسه اعلام گردید. برخی از دانشگاه‌ها از سوی دانشجویان اشغال شدند و در برخی دیگر مجامع عمومی دائمی اعلام شدند. به دنبال مشورت، اعتراض آغاز شد. دولت و محافل طرفدار بورژوازی و احزاب دست راستی و فاشیستی ناگاه در مقابل بیدار شدن یک جنبش دانشجویی پر قدرت قرار گرفتند. اینها که به تجربه تاریخ از عواقب این بیداری بیم دارند، هراسان شدند و سریعاً به مقابله پرداختند. روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی که تا این زمان هیچ خبری از آنچه می‌گذشت نمی‌دادند، ناگاه از سکوت در آمدند و شروع به لجن پراکنی نمودند. در مونپلیه (شهری در جنوب فرانسه) عده‌ای نقاب دار با چوب و چماق، در یک مجمع عمومی بر سر دانشجویان ریختند و آن‌ها را به شدت مصدوم و مجروح کردند. پولیس که در محل حضور داشت هیچ گونه دخالتی نکرد. دانشجویان که به شدت مضروب شدند توانستند بسیاری از مهاجمان را از پشت نقاب هابایشان شناسائی کنند. مهاجمان همگی به یک سازمان دست راستی افراطی (به نام گود GUD و حزب اوکسیتان OCCITAN) تعلق داشتند که در زمان‌های دور توسط دولت‌های دست راستی بورژوازی و وزراء و مقاماتی نظیر شارل پاسکوا و ژرار لونگه (Charles Pasqua et Gérard Longuet) برای مقابله با سازمان‌های چپی فرانسوی و نیز شورش‌های کارگری ایجاد شده بودند. اعضای این جریان اکثراً به گروه‌های اجتماعی اوباش و تبهکاران مافیا تعلق داشتند که به علت ارتکاب به قتل و جنایات متعدد از طرف دولت منحل اعلام شدند. در میان مهاجمان، دانشجویان رئیس دانشکده حقوق، معاون او

و چند تن از استادان، کارمندان و خدمتگزاران دانشگاه را شناسائی کردند. رئیس دانشکده و معاونش بلافاصله از مسئولیت‌های خود برکنار شدند و هم اکنون نه تنها دانشجویان مون‌پلیه بلکه همه دانشجویان دانشگاه‌های فرانسه خواهان اخراج و مجازات تمامی مهاجمان هستند. آخرین اخبار حاکی از دخالت پولیس برای به هم زدن مجامع عمومی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف و پراکندن دانشجویان می‌باشند.

در چند دانشگاه، از جمله نانت و تولوز، دانشجویان در مقابل یورش پولیس مقاومت کرده و کار به زد و خورد کشید. بحران نزدیک است و می‌دانیم که بورژوازی برای تحمیل دیکتاتوری خونین خود ذره‌ای تردید و درنگ نخواهد داشت. از طرف دیگر علی‌رغم حضور سازمان‌های مختلف کمونیستی، هنوز اراده و حضور چشمگیر یک نیروی انقلابی قدرتمند برای رهبری جنبش در جهت تغییر انقلابی فرانسه وجود ندارد. جنبش دانشجویان همزمان با جنبش‌های کارگری در فرانسه است. روز سوم اپریل تظاهرات در همه شهرهای فرانسه برگزار شده و دانشجویان در کنار کارگران اعتصابی در خیابان‌ها خواهند بود. در این تظاهرات، کارگران اعتصابی راه آهن، کارگران جمع‌آوری زباله و کارگران هواپیمائی شرکت خواهند داشت. بدین ترتیب می‌توان برای آینده‌ای نزدیک در انتظار حوادث مهم برای جامعه فرانسه و نیز آینده حکومت کنونی و ماکرون بنامیم. بورژوازی "شمشیر را از رو بسته" است و جامعه را به مصاف می‌طلبد. هنوز برای پیش بینی حوادث خیلی زود است. سؤال این است: آیا بورژوازی فرانسه، این بار نیز موفق خواهد شد یاشنه آهنین خود را فرود آورده و مبارزات زحمتکشان فرانسه را خفه کند یا آن که مقاومت مردم بورژوازی را بار دیگر به عقب خواهد راند؟

۱۲ حمل (فروردین) ۱۳۹۷